خارج فقه ج 53 - ترتیب بین افعال وضو - 27/09/1401

موضوع: (شرایط وضو - ترتیب بین افعال وضو - دوباره شستن یا نشستن عضو در وضو به خاطر عدم رعایت ترتیب - دو دسته روایات در این زمینه - جمع بین آنها یا راه دیگر - نظر استاد)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

بحث این بود که ترتیب بین افعال وضو شرط صحت است اما سؤال این است که اگر کسی خلاف ترتیب عمل کرد مثلاً اول دست چپ را شست بعد دست راست را حال که می‌خواهد برگردد و ترتیب را مراعات بکند آیا دوباره دست راست شسته بشود یا نه؟ روایات در اینجا دو دسته‌اند:

دسته اول: روایاتی که شستن دست راست را برای بار دوم به خاطر رعایت ترتیب واجب می‌دانند و صرفاً شستن دست چپ را مجزی نمی‌دانند.

منها: موثقه ابی بصیر، متن روایت: محمد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، وأبي داود جميعا، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن الحسين بن عثمان، عن سماعة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن نسيت غسل وجهك فغسلت ذراعيك قبل وجهك فأعد غسل وجهك، ثم اغسل ذراعيك بعد الوجه فإن بدأت بذراعك الأيسر قبل الأيمن فأعد على غسل الأيمن ثم اغسل اليسار، وإن نسيت مسح رأسك حتى تغسل رجليك فأمسح رأسك ثم اغسل رجليك.[[1]](#footnote-1) حضرت فرمودند اگر فراموش کردی صورت را بشویی و بعد از شستن دست‌ها یادت آمد برگرد و شستن صورت و هم دست‌ها را دوباره اعاده بکن و اگر قبل از شستن دست راست، دست چپ را شسته‌ای برگرد دست راست را بشوی و دوباره دست چپ را اعاده بکن.

منها: مرسله صدوق، متن روایت: محمد بن علي بن الحسين قال: روي في حديث آخر فيمن بدأ بغسل يساره قبل يمينه أنه يعيد على يمينه، ثم يعيد على يساره.[[2]](#footnote-2) کسی که ابتدا دست چپ را شسته قبل از آنکه دست راست را بشوید باید برگردد و دست راست را بشوید و بعد دست چپ را.

دسته دوم: روایاتی که تربیت را به همان شستن دست چپ می‌داند و شستن دست راست را بار دوم واجب نمی‌دانند.

منها: موثقه ابن ابی یعفور، متن روایت: محمد بن إدريس في (آخر السرائر) نقلا من كتاب النوادر لأحمد بن محمد ابن أبي نصر، عن عبد الكريم يعني ابن عمرو، عن ابن أبي يعفور، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا بدأت بيسارك قبل يمينك ومسحت رأسك ورجليك، ثم استيقنت بعد أنك بدأت بها غسلت يسارك ثم مسحت رأسك ورجليك.[[3]](#footnote-3) که اگر ابتدا دست چپ را شست قبل از شستن دست راست و مسح سر و پا را انجام داد بعد یقین کردی که دست چپ را شسته اینجا برگرد دست چپ را بشوید و مسح را انجام بدهد.

تقریب استدلال: از این عبارت «استیقنت انک بدات بها» امام علیه‌السلام امر می‌کند که شستن دست راست بعد از بار دوم به جهت ترتیب لازم نیست چون دست راست را شسته بود و همان دست چپ شسته بشود و مسح را انجام بدهد.

منها: وبإسناده عن موسى بن القاسم، عن محمد، عن سيف بن عميرة، عن منصور بن حازم، عن أبي عبد الله عليه السلام - في حديث تقديم السعي على الطواف - قال علیه‌السلام: ألا ترى أنك إذا غسلت شمالك قبل يمينك كان عليك أن تعيد على شمالك.[[4]](#footnote-4) (که منظور غز این طواف، طواف حج است)

این چنین نیست که قبلاً دست راست را شسته بودی دیگر نیاز نیست شسته شود پس بر تو واجب است شستن دست چپ را اعاده بکنی.

حال آیا بین این دو دسته روایات حکم به تخییر یا جمع عرفی می‌شود؟ اگر هر دو دسته روایات هیچ مرجحی نداشته و از نظر سند مساوی باشند حکم به تخییر می‌شود ولی در اینجا حکم به تخییر نمی‌شود چون مشهور از دسته اول اعراض کرده‌اند و فتوای به دسته دوم داده‌اند که شستن آن سابق برای بار دوم لازم نیست لذا باید بین این دو دسته جمع کرد به اینکه منظور از شستن دست راست در دسته اول آنجایی است که مکلف دست چپ را شسته و یک دفعه یادش آمد دست راست را نشسته اما دسته دوم آنجایی است که بعد از شستن دست راست و بعد از مسح یادش آمد ترتیب را رعایت نکرده است[[5]](#footnote-5)، مرحوم صاحب جواهر بعد از این جمع روایاتی را مطرح می‌کنند که این جمع را به هم می‌زند و ایشان (صاحب جواهر) می­فرمایند که اگر مخالفت با مشهور نبود به این روایات عمل می‌کردم اما با وجود اعراض مشهور از دسته اول، حق این است که برگردیم و همان جمع را قبول بکنیم خصوصاً که کلمه اعاده دارد که این روایاتی که می‌فرماید دوباره شسته شود تقویت می‌شود اما مشهور از این روایات اعراض کرده‌اند.

نظر استاد: این روایات مربوط به‌جایی است که موالات از بین رفته که باید دوباره بشوید اما آنکه مشهور فتوا می‌دهند اعاده لازم نیست مال قبل از فوات موالات است یا اینکه روایاتی که امر به دوباره شستن می‌کند امر به استحباب است و این جمع تبرعی است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. وسائل ج ۱ ص ۳۱۸ ح ۸. [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل ج ۱ ص ۳۱۹ ح ۱۰ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل ج ۱ ص ۳۱۹ ح ۱۴ [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل ج ۱ ص ۳۱۷ ح ۶ [↑](#footnote-ref-4)
5. جواهر ج ۲ ص ۲۴۹ [↑](#footnote-ref-5)